



شیعه

پرسش: اگر ممکن است تعداد فرق اساسی شیعه را بیان فرمایید؟
نمایه: شیعه، تشیع، پیدایش شیعه
پاسخ:

فهرست مندرجات

- ۱ - شیعه در لغت و اصطلاح
- ۲ - تاریخچه پیدایش تشیع
 - ۲.۱ - پیدایش تشیع پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)
 - ۲.۱.۱ - روز سقیفه
 - ۲.۱.۲ - اواخر خلافت عثمان
 - ۲.۱.۳ - روز قتل عثمان
 - ۲.۱.۴ - پس از ماجرای حکمیت
 - ۲.۱.۵ - پس از واقعه کربلا
 - ۲.۲ - پیدایش تشیع در عصر پیامبر اکرم (ص)
- ۳ - قول حق درباره واژه شیعه
- ۴ - شمولیت واژه شیعه
- ۵ - واژه هایی که در طول تاریخ با آنها از شیعه یاد می شد
 - ۵.۱ - رافضی
 - ۵.۲ - جعفری
 - ۵.۳ - امامی
 - ۵.۴ - خاصّه
 - ۵.۵ - علوی
 - ۵.۶ - فاطمی
 - ۵.۷ - طالبی
- ۶ - تعداد فرقه های اساسی شیعه
- ۷ - پانویس
- ۸ - منابع برای اطلاع بیشتر
- ۹ - منبع

شیعه در لغت و اصطلاح

در کتاب‌های لغت شیعه به معنای "پیرو" و "یاور" و نیز به معنای "منهاج و دین یکسان داشتن" آمده است.^[۱]

[۲]

[۳] [۴]

واژه شیعه در اصطلاح میان **مسلمانان**، وابستگی ویژه‌ای به پیروان **حضرت علی** (علیه السلام) پیدا کرده است. در مورد پیروان آن حضرت نیز در معانی متعددی استعمال شده است که عبارت اند از:

۱. شیعه به معنای دوستدار و **محبّ حضرت علی** (علیه السلام).
 ۲. شیعه یعنی کسی که حضرت علی (علیه السلام) را از **عثمان** برتر می داند و در مقابل **شیعه علی** (علیه السلام) **شیعه عثمان** قرار دارد.
 ۳. شیعه کسی است که حضرت علی (علیه السلام) را از عثمان و دو خلیفه نخستین و همه **صحابه** برتر می داند.
 ۴. شیعه کسی است که به **جانشینی** بلا فصل حضرت علی (علیه السلام) اعتقاد دارد.
- البته هیچ یک از این تعاریف جامع و مانع نیست. شاید بتوان با توجه به فرقه های مختلف شیعه در طول تاریخ عبارت زیر را بهترین تعریف برای این واژه دانست: "شیعه کسی است که **جانشینی حضرت علی** (علیه السلام) را از راه نصّ ثابت دانسته و حضرت **علی** (علیه السلام) را سزاوارترین شخص برای جانشینی حضرت **پیامبر اکرم** (صلی الله علیه وآله) می داند". در این تعریف بر واژه نصّ تأکید شده است که نقطه افتراق شیعه و گروه های دیگر است؛ زیرا گروه های دیگر **جانشینی پیامبر اکرم** (صلی الله علیه وآله) را انتخابی می دانند، ولی شیعه آن را به نصّ و بیان حضرت **پیامبر اکرم** (صلی الله علیه وآله) منوط دانسته است.

تاریخچه پیدایش تشیع

تاریخ پیدایش شیعه به دو صورت آمده است که برخی از مورخان آن پس از **رحلت پیامبر** خدا(صلی الله علیه و آله) می دانند و برخی دیگر آغاز پیدایش را در زمان خود پیامبر می دانند که در اینجا به هر دو قسمت می پردازیم.

← پیدایش تشیع پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)

بعض از پژوهش‌گران گفته‌اند تشیع پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ایجاد شده است. اینان خود چند دسته‌اند:

← روز سقیفه

تشیع در روز سقیفه پدید آمده است، همان روزی که گروهی از بزرگان صحابه با صراحت گفتند: علی (علیه السلام) اولی به امامت و خلافت است.

← اواخر خلافت عثمان

پیدایش شیعه را به اواخر خلافت عثمان مربوط می‌دانند و انتشار آرای عبدالله بن سبا در این زمان را به پیدایش تشیع ربط می‌دهند.

← روز قتل عثمان

شیعه در روز فتنه‌دار (روز قتل خلیفه سوم) پدید آمده است.

← پس از ماجرای حکمیت

تشیع پس از ماجرای حکمیت تا شهادت علی (علیه السلام) به وجود آمده است.

← پس از واقعه کربلا

آغاز تشیع را به نهضت کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) ربط می‌دهند.

← پیدایش تشیع در عصر پیامبر اکرم (ص)

در مقابل این اقوال پراکنده و متشتت، پژوهش‌گرانی معتقدند که تشیع در عصر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ریشه دارد و آن حضرت بارها این واژه را در باره پیروان و یاران حضرت علی (علیه السلام) استعمال کرده‌اند.

از میان دانشمندان شیعه، مرحوم کاشف الغطا، شیخ محمد حسین مظفر، مجدحسین زین‌عاملی و از میان علمای اهل سنت، مجد کرد علی می‌گویند: شماری از صحابه در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به شیعه علی معروف بودند. [۵]

قول حق درباره واژه شیعه

حق این است که در زمان خود پیامبر (صلی الله علیه وآله) و به دست خود پیامبر (صلی الله علیه وآله)، تشیع پایه‌گذاری شد و پس از وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله) صف شیعیان مشخص شد و کسانی که حضرت علی (علیه السلام) را جانشین پیامبر دانستند، شیعه علی نامیده شدند.

شمولیت واژه شیعه

واژه شیعه مفهومی عام است که طبق تعریف پذیرفته شده همه فرقه‌ها و گروه‌های شیعی؛ مانند زیدیه، کیسانیه، اسماعیلیه و... را شامل می‌شود.

واژه‌هایی که در طول تاریخ با آنها از شیعه یاد می‌شد

اما در این میان واژه‌های دیگری نیز وجود دارد که با این مفهوم عام تفاوت‌هایی دارد و بعضاً پیروان اهل بیت (علیهم السلام) را با آنها می‌خوانند که لازم است توضیح کوتاهی پیرامون هریک از این اصطلاحات داشته باشیم. برخی از این واژه‌ها عبارت است از:

← رافضی

رفض به معنای رد کردن و ترک کردن و واگذاشتن کاری است. مخالفان شیعه این واژه را معمولاً در مقام مذمت و بدگویی از شیعیان به کار می‌برند. درباره این واژه گفته شده است: از آن‌جا که شیعیان خلافت دو خلیفه اول را رد کردند "رافضی" خوانده می‌شوند. برخی نیز گفته‌اند. رافضی به شیعیانی گفته می‌شود که به جهت موضع نسبتاً ملایم زید درباره دو خلیفه اول در هنگام قیام خود، اردوی وی را ترک کردند. هر یک از دو معنا را که بپذیریم واژه رافضی با شیعه در مفهوم عامش مترادف نیست؛ زیرا این کلمه گروه‌هایی از زیدیه را در بر نمی‌گیرد.

← جعفری

از آن‌جا که امام جعفر صادق (علیه السلام) با تلاش بسیار خود به شیعیان معتقد به رهبری امامان معصوم (علیهم السلام) هویت فقهی و کلامی ویژه‌ای بخشید، شیعیان بهره‌مند از آموزه‌های آن بزرگوار به "جعفری" شهرت یافتند. امروزه واژه جعفری با شیعه اثنی‌عشری مترادف می‌نماید؛ اما ذاتاً اسماعیلیان را نیز شامل می‌شود؛ زیرا آنان نیز به امامت امام جعفر صادق (علیه السلام) اعتقاد دارند.

← امامی

در دوران هر یک از امامان به شیعیانی که به امامت امامان معصوم (علیهم السلام) از فرزندان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) اعتقاد داشته و این خط سیر را تا امام دوازدهم ادامه می‌دادند، امامی خوانده می‌شدند. امامی در سیر تاریخی‌اش، به تناسب زمان‌های مختلف معانی دیگر، چون ترادف با شیعه در زمان حضرت علی (علیه السلام) نیز داشته، ولی امروزه معنایی معادل اثنی‌عشری دارد.

← خاصه

واژه خاصه بیشتر در متون فقهی و در مقابل لفظ عامه (اکثریت مسلمانان) به کار می‌رود و به معنای شیعه است. معنای ویژه‌تر این واژه در متون فقهی امامیه اثنی‌عشری است که فقه خود را از امامان معصوم دوازده گانه می‌گیرند.

← علوی

شاید واژه علوی در زمان‌هایی برگرایش کلامی شیعه (اعتقاد به برتری حضرت علی) دلالت می‌کرده است؛ اما بعدها بیشتر در معنای نسبی‌اش یعنی بیان وابستگی نسبی افراد به حضرت علی (علیه السلام) به کار رفته است.

← فاطمی

واژه فاطمی بیشتر در معنای نسبی کاربرد دارد و برای تبیین تمایز فرزندان امام حسن و امام حسین (علیه السلام)، از فرزندان مجد حنفیه که "کیسانیه" خود را بدو منسوب می‌ساختند، به کار می‌رود؛ زیرا مجد حنفیه از فرزندان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نبود، هر چند در شمار فرزندان حضرت علی (علیه السلام) جای داشت.

← طالبی

واژه طالبی نیز مفهومی نسبی دارد؛ ولی دایره شمولش از دو واژه پیشین بیشتر است. طالبی به معنای فرزندان ابوطالب است که فرزندان آن بزرگوار از طریق غیر از حضرت علی (علیه السلام) را نیز شامل می‌شود. فهم دقیق این واژه با مطالعه کتاب "مقاتل الطالبین" ابوالفرج اصفهانی به دست می‌آید که در آن از قیام‌های همه طالبی‌ها و از جمله قیام‌های فرزندان جعفر بن ابی‌طالب نیز نام برده است.

این مجموعه‌ای از واژه‌ها است که در طول تاریخ با آنها از شیعه تعبیر شده است. تشیع در طول تاریخ بر بار خود، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. فرازهایی که گاه این مکتب را در آستانه تسلط بر کلّ جهان اسلام قرار داده و نشیب‌هایی که گاه آن را در سراسر سقوت نمایانده است. در این میان، آنچه این مکتب را متمایز کرده، عناصری مانند پیشینه دیرین غنی بودن در ایجاد مختلف معارف اسلامی، ادعای توان تشکیل حکومت و به اثبات رسانیدن این ادعا در مقاطعی چند و بالاخره هویت مستقل آن در طول تاریخ بوده است. از آن‌جا که مذهب شیعه دارای پشتوانه‌های عقلی و فقهی و کلامی و اخلاقی و... است توانسته است علی‌رغم همه محدودیت‌ها و فشارها و تبلیغات مسموم‌های خود را در همه جای دنیا باز کند و در سرتاسر دنیا پیروان زیادی که روز به روز عدد آنها در حال افزایش است پیدا کند. اما متأسفانه باید اعتراف کنیم آفت بزرگ تفرقه و ایجاد فرقه‌های متعدد که از دیر باز دامن‌گیر همه ادیان و مذاهب بوده است کم و بیش دامن‌گیر مکتب تشیع نیز شده است که امیدواریم با آگاهی روز افزون همه مسلمانان و پیروان حقیقی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) روزی همه مسلمانان با اتحاد و همدلی خود، دشمنان را ناکام کرده همه مذاهب انحرافی را کنار گذاشته و در زیر پرچم یک مذهب واحد جمع شوند.

بغدادی در کتاب خود اصول فرق شیعه را سه فرقه دانسته است: زیدیه، کیسانیه، امامیه، وی در آغاز **غلات** را نیز از انشعابات شیعه دانسته، ولی بعداً یاد آور شده است که چون آنان از اسلام خارج شده اند از فرق های اسلامی به شمار نمی آیند.^[۶] شهرستانی اسماعیلیه را نیز در شمار شعبه های اصلی آورده است، و فرقه های اصلی شیعه را پنج فرقه می داند.^[۷] **خواجه طوسی** (ره) در قواعدالعقاید با نظریه بغدادی موافقت نموده و اصول **فرق شیعه** را "زیدیه، کیسانیه، امامیه" دانسته است.^[۸] قاضی عضد الدین ایجی نیز اصول فرق شیعه را سه می شمارد: کیسانیه، امامیه، زیدیه. بعضی نیز اصول فرق شیعی را چهار فرقه، امامیه، کیسانیه، زیدیه و اسماعیلیه می دانند. آنچه مشهور بین علمای شیعه و تاریخ نگاران **ملل و نحل** است، این است که اصول فرق تشیع سه فرقه است، اما در مورد شاخه ها و فروع فرق اختلاف نظر وجود دارد.

پانویس

- ↑ القاموس المحيط، ج ۳، ص ۶۱ و ۶۲.
- ↑ تاج العروس، ج ۵، ص ۴۰۵.
- ↑ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸.
- ↑ النهایه ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۴۶.
- ↑ نک: تاریخ تشیع در ایران رسول جعفریان، ص ۲۴ - ۲۸.
- ↑ الفرق بین الفرق، بغدادی، عبدالقاهر، ص ۲۱-۲۳.
- ↑ ملل و نحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۴۷.
- ↑ طوسی، خواجه نصیر، قواعد العقاید، تحقیق، ربانی، علی، ص ۱۱۰.

منابع برای اطلاع بیشتر

الفرق بین الفرق ، ملل و نحل ، قواعد العقاید مراجعه فرمایید.
همچنین نک:
۱. انشعابات شیعه
۲. آشنایی با شیعه

منبع

سایت اسلام کوئست